

کیمسان



در مکتب امام

دعوت خدا را لبیک بگوید

دعوت دعوت شدید به ضیافت الله، همه مهمان خدا هستند و مهمانی به ترک است. اگر ذریای خود نفس در آسمان باشد، این به مهمانی وارد نشده‌ است یا اگر وارد شده است استفاده نکرده است. تمام این جار و جنجال‌هایی که در دنیا می‌بینید برای این است که استفاده از این ضیافت نکرده‌اند، در این مهمانی وارد نشده‌اند، دعوت خدا را قبول نکرده‌اند.
کوشش کنید که این دعوت را لبیک بگویید.

صحیفه امام؛ ج ۱؛ ص ۱۴۵؛ جماران: ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۷

مرور غم فقدان امام‌المؤمنین(س)

آسمان مهر، باران سخاوت، سر چشمه کوثر

سوره مبارک که صُحی در خطاب به پیامبر اکرم(ص) نازل شده و فضایی مملو از عطفوت و دلجویی بر آن حاکم است. مفسران در شأن نزول این سوره گفته‌اند در آغاز بعثت، پس از فرود آمدن چند سوره ابتدایی، برای مدتی وحی منقطع گردید به‌گونه‌ای که پیامبر اکرم(ص) در اندوه سختی فرو رفت و مشرکان نیز با زخم زبان بر غم آن جناب افزودند و اظهار داشتند که خداوند، حضرتش را و نهاده و بر او خشم گرفته است تا آنکه سوره ضحی با لحن بسیار ملاطفت‌آمیز ایگونه نازل گردید:

والضَّحٰی وَّاللَّیْلِ اِذَا شَجَخِیْ: سوگند به چاشنگه که خورشید پر تو خود را می‌گستراند و به شامگاهان که سگون و آرامش می‌بخشد.

مَآ وَذَکَّرَ رَبِّکَ و مَا قُلٰی: که پروردگارت تو را رها نکرده و بر تو خشم نگرفته است.

سپس خداوند برای دلجویی بیشتر از رسول مکرم خود، برخی از نعمت‌هایی را که به آن حضرت عطا نموده کرد و آن را در حلسه می‌فرماید: وَذَکَّرَ عَلَآ قَآئِنِیْ: آیا خداوند تو را تهی دست نیافت آنگاه بی‌نیازت کرد؟ این آیه در حقیقت استقامتی تقریری است و خداوند به پیوند مبارک پیامبر(ص) و حضرت خدیجه(س)اشاره فرموده که پس از ازدواج، خدیجه همه اموال فراوان خود را به آن جناب بخشید و بدین وسیله پیامبر از مال دنیا بی‌نیاز شد.

سسخن از بانوی‌ست که با ایثار خود حق عظیمی بر اسلام و مسلمانان دارد و پیامبر اکرم(ص) در اهمیت سخاوت و بخشش او در پیشرفت اسلام چنین فرموده‌اند: «مَا قَامَ وَّ لَا اِسْتَقَامَ دِیْنِیْ اِلَّا بِخَشْنِیْنِ مالِ خَدِیْجَه وَ سَیْفِ عَلِی بْنِ اَبِی‌طَالِبٍ» و به جزیر اسفاور شد و نیز، برنمود گردید، دارای خدیجه و مشیر علی بن ابی‌طالب(ع) آن حضرت به صراحت از رمز پیشرفت اسلام بهره برداشته و بخشش بانوی قریش را در ردیف جهاد عظیم امیر مومنان قرار داده است.

فتوحات درخشان مولی الموحیدین(ع) در جنگ‌هایی چون بدر و احد و خندق و فرازهای مهم صدر اسلام، غیرقابل انکار است. الفلقرای که در کف با کفایت آن حضرت قرار داشت به قوت بازوی اسدالهی، کره‌ها را یکی پس از دیگری می‌گشود و اسلام را در جزیره‌های گسترش می‌داد، با این معیار می‌توان به جایگاه بخشش حضرت خدیجه(س) که عالم پیشرفت کنی شده‌ است اید بی‌ ترد.

در وصف ثروت افسانه‌ای حضرت خدیجه علیهاالسلام سخن‌ها گفته شده است. آن جمله آنکه صاحب گله‌های فراوانی بود و کنیزان و غلامان بسیاری داشت

و تنها تعداد شترانش بیش از هشتاد دارا داشته و آنکه در هر سزمینی مانند عمر و جیسه، مال التجاره فراوانی داشته است(بحارالانوار ج ۱۶ ص ۱۲)

حضرت خدیجه صاحب مال، جمال و کمالات فراوانی بود و قریش او را

به القاب والا و ستوده‌ای مانند ظاهر، سیده سنا، قریش(مور بانوان قریش)،

سیده بطحا و ملکه عرب می‌شناخت. همچنین از میان مشاهیر و سران قریش

خواستگار مدهدی داشتند افرادی چون ابوجهم، ابوسفیان و عقیله بن مِعِیْقَب

از جمله کسانی بودند که آرزوی همسری آن بانو را در سر می‌پروراندند که

پاسخ حضرتش از پس برده عناق به همگی منفی بود.

اما آنچه که سخت نمود نقد و ردّ محققان شیعی قرار گرفته، موضوع

ازدواج‌های حضرت خدیجه است. زیرا در ردّ محققان گفتار برخی مورخان را که قائل

شده‌اند آن حضرت، پیش از پیامبر اسلام دو بار ازدواج کرد و صاحب دخترانی

شد، سخنی بی‌اساس و منافی اعتقادات مکتب اهل‌بیت می‌داند. زیرا ما معتقدیم

که اسلام حقیقتاً از پدران و مادرانی موحد و میرزا یا بت‌پرستی متولد شده‌ است.

و نیای آنان تا حضرت آدم(ع) همگی انسان‌های پاک و خدای‌پسوده‌اند. مؤید

این موضوع، آیات و روایاتی است که تصریح می‌کند انبیا و جانشینانشان (و نیز

پیامبر اکرم) و اهل‌بیت گرامی (و) پیوسته از اودکی کفر و شرک ممنون بوده‌اند.

با این وصف چگونه می‌توان اعتقاد داشت که حضرت خدیجه پیش از ازدواج،

با دو شخص مشرک و بت‌پرست ازدواج نموده؟ و حال آنکه طبق شریعت، ازدواج

یک موحد با مشرک حرام و باطل است و طبق اعتقاد صحیح، حضرت خدیجه

مادر بزرگوار فاطمه(ع و زهرا)س) جده نهمه محترم، پیش از اسلام نیز بدین

توجه بود و چنانچه به خطبه قدح ایشام که در حضور ابوطالب(ع) پاترزه سال

قبل از بعثت خوانده است توجه کنیم مملو از الفاظ توحیدی و اقرا به ربوبیت

پروردگار عالمان است(بحارالانوار ج ۱۶ ص ۵)

محققان مذکور به این باورند که حضرت خدیجه پیش از پیامبر(ص) ازدواجی

نداشته و پیامبر بوده است. نیز برخی به دلایلی، سن چهل سالگی آن حضرت

هنگام ازدواج را صحیح ندانسته‌اند. از جمله آنکه اگر چهل سالگی آن بانو مبنا

گرفته شود، تولد حضرت (ره‌اع) در شصت سالگی ایشان واقع شده که این موضوع

بیست سال پسار بعید می‌نماید(از زیر حضرت فاطمه(ع) در سال پنجم بعثت یعنی

پس از اسلام به این ازدواج پیامبر(ص) با حضرت خدیجه متولد گردید) با این

وجود، سن آن حضرت هنگام ازدواج از ۲۴ تا ۴۰ سال گفته شده. اما دخترانی

که به خدیجه(س) نسبت داده‌اند در حقیقت فرزندان خواهر وی بودند که به

عنوان فرزندان نزد او رشد کردند و بزرگ شدند و پس از ازدواج پیامبر، طبق

رسوم جاری فرزندان خود خوانده شدند.

حضرت خدیجه پس از مراسم خواستگاری به پسرعموی خود گفت: «زد

محمد(ص) برو و از قول من بگو غلامان و کنیزان و هر آنچه مالک آن هستم

را همه را به تو بخشیدم. هرگونه که بخواهی می‌توانی در آن تصرف کنی.» پس

از آنکه خطبه قدح توسط ابوطالب(ع) خوانده شد، پیامبر(ص) برخاست تا در

همراه عمومی گرامی خود مجلس را ترک کند اما خدیجه اظهار داشت: «اٰلی

تِبْنِکَ قِبْتِیْنِ تِبْنِکَ و اَنَا جَارِئَتُکَ، به خانه خودت قدم بگذار که از این پس خانه

من خانه تو من نیز کنیز توام»

آنگاه که پیامبر پس از تولد اولین آیات از غار حرا به خانه آمد، خدیجه

پرسید این چه نوری است که در تو مشاهده می‌کنم؟ پیامبر فرمود این نور

نبوت است. سپس شهیدانین را به او آموخت. خدیجه پاسخ داد سال‌هاست که

از پیامبری تو اطلاع دارم. و بی‌تألی اشتباهات من در ایمان آورد و بدین ترتیب

بانوی اول اسلام شد (پیامبر اکرم(ص) مکرراً در این مورد و نیز پیش از آن در

می‌فرمود: «بهشت مشتاقی چهار نفر از بانوان است خدیجه، فاطمه، مریم و

انسه، بارها جبرئیل نازل شد در حالی که حامل سلام خداوند به خدیجه بود.

نیز صفحه درخشان دیگری در کتاب افتخارات امام المومنین خدیجه دارد

و آن اینکه پیامبر به او فرمود: «اِنَّ اِلَٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَیُّبَٰی بِکَ کِرَامَ مَلَائِکَتِکَ اَنْ

یُؤمِرَ بِرَآءِ خَدَاوَنَدٍ وَ عَلَی هَر وَ حَرٍ رُؤُوسَ بَارٍ دَر مَقَابِلِ بَزَرگَانِ مَلَایِکَ خُودِ بَه

تو مباحث می‌کند».

سراج‌المسیر، مرور زبان بهشتی پس از ۲۴ سال زندگی مشترک عزتمند، در

بسیتر افتاد و در اوپسین لحظات با چشمانی اشکبار رو به محبوب خود کرد و

گفت: «ای رسول خدا! من در حق تو کوتاهی کردم و آنچه شایسته تو بود انجام

ندادم از من در گذر که اگر اکنون دل بر طلب چیزی داشته باشم خشودی

نوست. آنگاه وصایایی نمود از جمله خواست تا پیامبر اکرم(ص) از لباس خود

برای او کفتی قرار دهد سپس برای همیشه چشم از جهان فروست و این حادثه

جانگذاز اندکی پس از وفات حضرت ابوطالب واقع شد.

امام جبرئیل با جلای بهشتی نازل شد و گفت: «خداوند فرموده است ما خود

کفن خدیجه را برعهده می‌گیریم و او را در بهشت و در قصری زمردین که هیچ

سختی و رنجی در او نیست جای می‌دهیم.» آری خداوند در ماه ضیافت خود

آن حضرت را پذیرفت و در جوار رحمت خود اسکان داد. در پیامبر چون با قلبی

آکنده از محبت و عشق و خود و جسمانی اشکبار او را از قبرستان جحون بی‌خود

کرد. ابتدا آذکی در قبر خوابید آنگاه برخاست و پیکر مقدس ام المومنین و بانوی

اول اسلام را دفن کرد و بسیار گریست و رها کرد دعا نمود. تلخی داغ ابوطالب و

خدیجه به حدی بر او مبارک حضرتش اثر نهاده که آن سال را امام‌الرحمن نام نهاد.

سید ابوالحسن موسوی طباطبایی

اخبار کشور

رئیس‌قوه قضائیه در دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش:

ایران اسلامی را رشادات‌ها ایستادگی‌ها و شهادت‌ها بیمه کرده است

رئیس‌قوه قضائیه گفت: **حضور او تش در صحنه‌های مختلف دفاع از کشور و خدمت به مردم موجب ماندگاری نام حماسه‌افرینان ارتش در قلب ملت شده است.**

به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، آیت‌الله سید

ابراهیم رئیسی که دیروز به مناسبت روز ارتش، در بازدید از دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش در جمع فرماندهان عالی ارتش جمهوری اسلامی ایران سخن می‌گفت، از رشادت، شجاعت، جانفشانی و ایستادگی نیروهای ارتش در ۴۰ سال گذشته و تلاش‌های صورت گرفته برای توسعه کمی و کیفی بخش‌های مختلف ارتش تقدیر کرد و گفت: ارتش جمهوری اسلامی صیانت از امنیت جمهوری اسلامی را به سیادت ایران اسلامی تبدیل کرد.

نام حماسه‌افرینان ارتش

در قلب ملت مانده است

رئییسی به خون غلظیدن ۲۸ هزار شهید ارتش جمهوری اسلامی در راه دفاع از وطن و ارزش‌های الهی را نشانه بزرگی برای تصدیق عملکرد و توقیفات نیروهای مسلح کشورمان در ۴۰ سال اخیر دانست. وی، حضور مقتدرانه نیروی دریایی ارتش در آب‌های بین‌المللی و برخورد با دزدان دریایی و تعقیب

وحشی و لایلی اذنا شنجی، سوگند به چاشنگه که خورشید پر تو خود را می‌گستراند و به شامگاهان که سگون و آرامش می‌بخشد.

مَآ وَذَکَّرَ رَبِّکَ و مَا قُلٰی: که پروردگارت تو را رها نکرده و بر تو خشم نگرفته است.

سپس خداوند برای دلجویی بیشتر از رسول مکرم خود، برخی از نعمت‌هایی را که به آن حضرت عطا نموده کرد و آن را در حلسه می‌فرماید: وَذَکَّرَ عَلَآ قَآئِنِیْ: آیا خداوند تو را تهی دست نیافت آنگاه بی‌نیازت کرد؟ این آیه در حقیقت استقامتی تقریری است و خداوند به پیوند مبارک پیامبر(ص) و حضرت خدیجه(س)اشاره فرموده که پس از ازدواج، خدیجه همه اموال فراوان خود را به آن جناب بخشید و بدین وسیله پیامبر از مال دنیا بی‌نیاز شد.

سسخن از بانوی‌ست که با ایثار خود حق عظیمی بر اسلام و مسلمانان دارد و پیامبر اکرم(ص) در اهمیت سخاوت و بخشش او در پیشرفت اسلام چنین فرموده‌اند: «مَا قَامَ وَّ لَا اِسْتَقَامَ دِیْنِیْ اِلَّا بِخَشْنِیْنِ مالِ خَدِیْجَه وَ سَیْفِ عَلِی بْنِ اَبِی‌طَالِبٍ» و به جزیر اسفاور شد و نیز، برنمود گردید، دارای خدیجه و مشیر علی بن ابی‌طالب(ع) آن حضرت به صراحت از رمز پیشرفت اسلام بهره برداشته و بخشش بانوی قریش را در ردیف جهاد عظیم امیر مومنان قرار داده است.

فتوحات درخشان مولی الموحیدین(ع) در جنگ‌هایی چون بدر و احد و خندق و فرازهای مهم صدر اسلام، غیرقابل انکار است. الفلقرای که در کف با کفایت آن حضرت قرار داشت به قوت بازوی اسدالهی، کره‌ها را یکی پس از دیگری می‌گشود و اسلام را در جزیره‌های گسترش می‌داد، با این معیار می‌توان به جایگاه بخشش حضرت خدیجه(س) که عالم پیشرفت کنی شده‌ است اید بی‌ ترد.

در وصف ثروت افسانه‌ای حضرت خدیجه علیهاالسلام سخن‌ها گفته شده است. آن جمله آنکه صاحب گله‌های فراوانی بود و کنیزان و غلامان بسیاری داشت

و تنها تعداد شترانش بیش از هشتاد دارا داشته و آنکه در هر سزمینی مانند عمر و جیسه، مال التجاره فراوانی داشته است(بحارالانوار ج ۱۶ ص ۱۲)

حضرت خدیجه صاحب مال، جمال و کمالات فراوانی بود و قریش او را

به القاب والا و ستوده‌ای مانند ظاهر، سیده سنا، قریش(مور بانوان قریش)،

سیده بطحا و ملکه عرب می‌شناخت. همچنین از میان مشاهیر و سران قریش

خواستگار مدهدی داشتند افرادی چون ابوجهم، ابوسفیان و عقیله بن مِعِیْقَب

از جمله کسانی بودند که آرزوی همسری آن بانو را در سر می‌پروراندند که

پاسخ حضرتش از پس برده عناق به همگی منفی بود.

اما آنچه که سخت نمود نقد و ردّ محققان شیعی قرار گرفته، موضوع

ازدواج‌های حضرت خدیجه است. زیرا در ردّ محققان گفتار برخی مورخان را که قائل

شده‌اند آن حضرت، پیش از پیامبر اسلام دو بار ازدواج کرد و صاحب دخترانی

شد، سخنی بی‌اساس و منافی اعتقادات مکتب اهل‌بیت می‌داند. زیرا ما معتقدیم

که اسلام حقیقتاً از پدران و مادرانی موحد و میرزا یا بت‌پرستی متولد شده‌ است.

و نیای آنان تا حضرت آدم(ع) همگی انسان‌های پاک و خدای‌پسوده‌اند. مؤید

این موضوع، آیات و روایاتی است که تصریح می‌کند انبیا و جانشینانشان (و نیز

پیامبر اکرم) و اهل‌بیت گرامی (و) پیوسته از اودکی کفر و شرک ممنون بوده‌اند.

با این وصف چگونه می‌توان اعتقاد داشت که حضرت خدیجه پیش از ازدواج،

با دو شخص مشرک و بت‌پرست ازدواج نموده؟ و حال آنکه طبق شریعت، ازدواج

یک موحد با مشرک حرام و باطل است و طبق اعتقاد صحیح، حضرت خدیجه

مادر بزرگوار فاطمه(ع و زهرا)س) جده نهمه محترم، پیش از اسلام نیز بدین

توجه بود و چنانچه به خطبه قدح ایشام که در حضور ابوطالب(ع) پاترزه سال

قبل از بعثت خوانده است توجه کنیم مملو از الفاظ توحیدی و اقرا به ربوبیت

پروردگار عالمان است(بحارالانوار ج ۱۶ ص ۵)

محققان مذکور به این باورند که حضرت خدیجه پیش از پیامبر(ص) ازدواجی

نداشته و پیامبر بوده است. نیز برخی به دلایلی، سن چهل سالگی آن حضرت

هنگام ازدواج را صحیح ندانسته‌اند. از جمله آنکه اگر چهل سالگی آن بانو مبنا

گرفته شود، تولد حضرت (ره‌اع) در شصت سالگی ایشان واقع شده که این موضوع

بیست سال پسار بعید می‌نماید(از زیر حضرت فاطمه(ع) در سال پنجم بعثت یعنی

پس از اسلام به این ازدواج پیامبر(ص) با حضرت خدیجه متولد گردید) با این

وجود، سن آن حضرت هنگام ازدواج از ۲۴ تا ۴۰ سال گفته شده. اما دخترانی

که به خدیجه(س) نسبت داده‌اند در حقیقت فرزندان خواهر وی بودند که به

عنوان فرزندان نزد او رشد کردند و بزرگ شدند و پس از ازدواج پیامبر، طبق

رسوم جاری فرزندان خود خوانده شدند.

حضرت خدیجه پس از مراسم خواستگاری به پسرعموی خود گفت: «زد

محمد(ص) برو و از قول من بگو غلامان و کنیزان و هر آنچه مالک آن هستم

را همه را به تو بخشیدم. هرگونه که بخواهی می‌توانی در آن تصرف کنی.» پس

از آنکه خطبه قدح توسط ابوطالب(ع) خوانده شد، پیامبر(ص) برخاست تا در

همراه عمومی گرامی خود مجلس را ترک کند اما خدیجه اظهار داشت: «اٰلی

تِبْنِکَ قِبْتِیْنِ تِبْنِکَ و اَنَا جَارِئَتُکَ، به خانه خودت قدم بگذار که از این پس خانه

من خانه تو من نیز کنیز توام»

آنگاه که پیامبر پس از تولد اولین آیات از غار حرا به خانه آمد، خدیجه

پرسید این چه نوری است که در تو مشاهده می‌کنم؟ پیامبر فرمود این نور

نبوت است. سپس شهیدانین را به او آموخت. خدیجه پاسخ داد سال‌هاست که

از پیامبری تو اطلاع دارم. و بی‌تألی اشتباهات من در ایمان آورد و بدین ترتیب

بانوی اول اسلام شد (پیامبر اکرم(ص) مکرراً در این مورد و نیز پیش از آن در

می‌فرمود: «بهشت مشتاقی چهار نفر از بانوان است خدیجه، فاطمه، مریم و

انسه، بارها جبرئیل نازل شد در حالی که حامل سلام خداوند به خدیجه بود.

نیز صفحه درخشان دیگری در کتاب افتخارات امام المومنین خدیجه دارد

و آن اینکه پیامبر به او فرمود: «اِنَّ اِلَٰهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَیُّبَٰی بِکَ کِرَامَ مَلَائِکَتِکَ اَنْ

یُؤمِرَ بِرَآءِ خَدَاوَنَدٍ وَ عَلَی هَر وَ حَرٍ رُؤُوسَ بَارٍ دَر مَقَابِلِ بَزَرگَانِ مَلَایِکَ خُودِ بَه

تو مباحث می‌کند».

سراج‌المسیر، مرور زبان بهشتی پس از ۲۴ سال زندگی مشترک عزتمند، در

بسیتر افتاد و در اوپسین لحظات با چشمانی اشکبار رو به محبوب خود کرد و

گفت: «ای رسول خدا! من در حق تو کوتاهی کردم و آنچه شایسته تو بود انجام

ندادم از من در گذر که اگر اکنون دل بر طلب چیزی داشته باشم خشودی

نوست. آنگاه وصایایی نمود از جمله خواست تا پیامبر اکرم(ص) از لباس خود

برای او کفتی قرار دهد سپس برای همیشه چشم از جهان فروست و این حادثه

جانگذاز اندکی پس از وفات حضرت ابوطالب واقع شد.

امام جبرئیل با جلای بهشتی نازل شد و گفت: «خداوند فرموده است ما خود

کفن خدیجه را برعهده می‌گیریم و او را در بهشت و در قصری زمردین که هیچ

سختی و رنجی در او نیست جای می‌دهیم.» آری خداوند در ماه ضیافت خود

آن حضرت را پذیرفت و در جوار رحمت خود اسکان داد. در پیامبر چون با قلبی

آکنده از محبت و عشق و خود و جسمانی اشکبار او را از قبرستان جحون بی‌خود

کرد. ابتدا آذکی در قبر خوابید آنگاه برخاست و پیکر مقدس ام المومنین و بانوی

اول اسلام را دفن کرد و بسیار گریست و رها کرد دعا نمود. تلخی داغ ابوطالب و

خدیجه به حدی بر او مبارک حضرتش اثر نهاده که آن سال را امام‌الرحمن نام نهاد.

سید ابوالحسن موسوی طباطبایی

نیروهای انقلابی در کشور تأکید کرد، در گام دوم انقلاب اسلامی باید شمار «ها می‌توانیم» را در عرصه‌های مختلف به نمایش بگذاریم.

موفقیت در صنایع نظامی، نمونه‌ای از توقیفات کشور در برابر توطئه‌های دشمن

رئیس‌افزود کشور که نوآوری و خلاقیت و کار و تلاش فراوانی در عرصه‌های مختلف علمی و دفاعی و صنعتی دارد می‌تواند در عرصه اقتصادی و اجتماعی نیز جایگاه برتر از این داشته باشد و هر جا با عزت و اقتدار حرکت کردیم پیروز بودیم.

وی نمونه‌ای از توقیفات کشورمان در برابر توطئه‌ها

و فتنه‌های دشمنان را موفقیت در صنایع نظامی دانست

و گفت: ایران در عرصه دفاعی و صنایع نظامی همچون

عرصه هسته‌ای تحریم بوده و تهدید شده، اما نیروهای

مسلح ما با اتکا به خدا و اتیان داخلی و نوآوری و خلاقیت

نزد اندادند که با اراده پولادین و اقدام و عمل می‌توان

از تحریم‌ها پیروز شد.

مردمی بودن از دیگر مؤلفه‌هایی بود که

رئیس‌دستگاه فضا به عنوان ویژگی ارتش جمهوری

اسلامی از یاد دارد و گفت که ارتش مردم را باور

دارد و مردم هم به ارتش اعتماد دارند و این جایگاه و

پایگاه نیروهای مسلح در بین مردم در سایه همراهی

و بصیرت‌افرین و فرمانده کل قوا بر توانمندی

اعتراف فرمانده سازمان تروریستی سنتکام:

ایران با قدرت پهبادی خود برتری هوایی را از آمریکا گرفته است

این اولین‌بار نیست که مکزیزی درباره